

خانواده و زن در مکتب امام صادق(ع)

مرحوم نراقی در کتاب ارزشمند خود آورده است...



1- راه ورود به بهشت

مرحوم نراقی در کتاب ارزشمند خود آورده است :

شخصی نزد امام جعفر صادق علیه السلام حضور یافت ؛ و

عرضه داشت : یابن رسول الله ! پدرم پیر و ضعیف گشته است به طوری که

همانند بچه کوچک باید در خدمت او باشم ؛ و نیز او را برای قضاء حاجت بغل می‌کنم.

حضرت فرمود: چنانچه توان داشته باشی باید این کار را ادامه دهی؛ و نیز باید با کمال ملاطفت و مهربانی برایش لقمه بگیری و دهانش بگذاری .

و انجام این امور فردای قیامت، راه ورود به بهشت را برایت

آسان می گرداند.

(جامع السعادات : ج 2، ص 265)

2 - تفسیر 2 آیه قرآن از زبان امام صادق(ع)

روزی ابن ابی العوجاء از هشام بن حکم - که هر دو از شاگردان

امام جعفر صادق علیه السلام هستند، پرسید: آیا خداوند متعال حکیم و به همه امور و مسائل دانا است؟

پاسخ داد: آری، او حکیم ترین و داناترین حکیمان و عالمان است.

پرسید: آیه قرآن «فانكحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و

رباع فی ن خفتم...» (سوره نساء: آیه 3) که می‌فرماید: آنچه از زنان مورد علاقه شما قرار گیرد می‌توانید تا چهار زن ازدواج نمائید و اگر

نتوانستید بین آن‌ها عدالت نمائید، به يك نفر اكتفاء كنید، آیا ضروری و حتمی است ؟

هشام گفت: بلی، سپس پرسید: پس این آیه قرآن «ولن تستطيعوا أن تعدلوا بین النساء...» (سوره نساء: آیه 129) که

می‌فرماید: هرگز نخواهید توانست بین زنان به عدالت رفتار نمائید، آیا با آیه قبل منافات ندارد؟

اگر خداوند، حکیم است؛ پس چرا دو سخن مخالف و ضدّ یکدیگر

در يك موضوع ایراد می‌نماید؟

هشام از دادن پاسخ صحیح ساکت ماند؛ و سریع به سمت منزل

امام صادق علیه السلام حرکت نمود و چون به مدینه رسید و بر آن حضرت وارد گردید، امام علیه السلام فرمود: چه عجب، الان که

موقع حجّ نیست، چطور این جا آمده‌ای؟!

هشام گفت: به جهت يك مشکل علمی که ابن ابی العوجاء از من

سؤال نمود و نتوانستم جواب آن را بگویم، به حضور شما آمدم؛ و سپس داستان

را به طور مشروح برای حضرت تعریف کرد.

حضرت فرمود: در رابطه با آیه اوّل، مقصود مصارف و مخارج زن می‌باشد یعنی اگر امکانات مالی برایتان فراهم بود و مایل بودید،

می‌توانید تا چهار زن را ازدواج نمائید؛ وگرنه بیش از یکی حقّ ندارید.

و اما نسبت به دوّمین آیه قرآن، مقصود علاقه و محبّت است، که

امکان ندارد مردی نسبت به تمام همسران خود يك نوع ابراز علاقه و محبّت داشته باشد.

بنابراین در این جهت، رعایت عدالت امکان ندارد، برخلاف آیه اوّل که امکان عدالت هست و می‌توان برای هر کدام يك نوع لباس،

منزل، خوراك و... تهیّه و در اختیار آن‌ها قرار داد.

بعد از آن هشام از حضرت صادق علیه السلام خداحافظی کرد و چون نزد ابن ابی العوجاء آمد و جواب حضرت را بازگو نمود، ابن ابی

العوجاء گفت: به خدا قسم! این جواب از خودت نمی‌باشد.

(اعیان الشیعة: ج 1، ص 662)

3 - پادشاه‌های دیدار و رسیدگی به خویشاوندان

مرحوم شیخ طوسی در کتاب خود حکایت نموده است:

روزی منصور دوانیقی امام صادق علیه السلام را به دربار خود احضار کرد، هنگامی که حضرت وارد شد، کنار منصور - که برایش محلی در نظر گرفته شده بود نشست.

پس از آن، منصور دستور داد تا فرزندش مهدی را بیاورند؛ و چون آمدن مهدی مقداری به تأخیر افتاد، منصور با تهدید گفت: چرا مهدی نیامد؟ اطرافیان در پاسخ گفتند: همین الان خواهد آمد.

هنگامی که مهدی وارد مجلس شد، خود را آراسته و خوشبو کرده بود؛ منصور خطاب به امام صادق علیه السلام کرد و اظهار داشت:

یا ابن رسول الله! حدیثی را پیرامون دیدار و رسیدگی به خویشان

برایم گفته‌ای، دوست دارم آن حدیث را تکرار فرمائی تا فرزندم، مهدی نیز بشنود.

حضرت صادق آل محمد صلوات الله علیهم فرمود: امیرالمؤمنین

علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چنانچه

مردی با یکی از خویشان خود صله رحم نماید و از عمرش سه سال بیشتر باقی نباشد، خداوند متعال آن را به مدت سی سال طولانی می‌نماید؛ و اگر قطع صله رحم نمود و سی سال از عمرش باقی بود، خداوند آن را سه سال می‌گرداند.

منصور گفت: این حدیث خوب بود؛ ولی قصد من آن نبود،

حضرت فرمود: بلی، پدرم از امیرالمؤمنین علی علیه السلام و او از

رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نمود: صله رحم سبب عمران و آبادی خانه و زندگی است؛ و نیز موجب افزایش عمر خواهد بود، گرچه از خوبان نباشد.

منصور گفت: این خوب بود، ولی منظورم حدیث دیگری است.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

پدرم باقرالعلوم از پدرش زین العابدین و او از پدرش سیدالشهداء، از امیرالمؤمنین علی علیه السلام و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله حدیثی را نقل کرده است، که فرمود:

صله رحم بازخواست شب اول قبر و محاسبات قیامت را آسان می‌گرداند؛ و دل مرده را با از بین بردن کینه‌ها و حسادت‌ها و ناراحتی‌ها زنده و شاداب می‌نماید.

در این هنگام منصور گفت:

آری، منظورم همین حدیث بود.

منبع:

(امالی شیخ طوسی: ص 316، بحارالأنوار: ج 47، ص 163، ح 3)